



۲۰۱۸/۱۲/۱۷



حسین احمدی

پاکستان در تلاش گذار از حاشیه به محور

پاکستان همچنان که در جنگ افغانستان به عنوان ناخدای کشتی جنگی طالبان شمرده می‌شود، در پروسه صلح نیز در دو دوره قبلی حکومت توانست محور تمرکز مذاکرات چند جانبه صلح افغانستان باشد؛ اما پس از تکرر در میز مذاکرات صلح، پاکستان در حاشیه رفته بود و منزوی می‌شد. زیرا پس از آنکه طالبان تکیه گاه مطمئنتر از پاکستان در خانه همسایه غربی افغانستان پیدا کرد و سلاح‌های روسی شان نیز در جنگ با اردوی ملی و همکاری این گروه با شرکت‌های چینی در مناطق استخراج معادن نیز در رسانه‌ها درز کرد، پاکستان کم کم حاشیه نشین می‌شد و فقط در نقش میزبان شورای کوئته تقلیل یافته بود.

در این اواخر دیده می‌شود که ظاهراً چین به میدان آمده تا افغانستان و پاکستان را برای تامین صلح یاری رساند؛ اما پهلوی چپ نشست سه جانبه کابل این است که پاکستان خواسته تا از طریق چین به افغانستان بنمایاند که هنوز هم برای تامین صلح دروازه خانه جنوبی تان را در قباله می‌بندد. در همین اثنا صدراعظم پاکستان از میزبانی مذاکره مستقیم امریکا و طالبان در پاکستان خبر می‌دهد. نشست سه جانبه کابل روز شنبه، ۲۴ قوس در کابل دایر شد که در آن چین و پاکستان متعهد شدند تا افغانستان را در امر رسیدن به صلح پایدار کمک کند و در همین هنگام، عمران خان، صدراعظم پاکستان اعلام کرد که اسلام‌آباد تا دو روز دیگر میزبان مذاکرات مستقیم ایالات متحده امریکا با طالبان خواهد بود.

تدویر این نشست‌ها یک دروغ واضح و تاریخی پاکستان را برملا می‌کند. اینکه در روند صلح دولت افغانستان با گروه طالبان، دولت پاکستان تظاهر می‌کند که این کشور در فرایند صلح افغانستان نقش مؤثری دارد و می‌تواند محور تمرکز یا میزبان مذاکرات صلح باشد. در حالی که نزدیک به دو دهه به دولت افغانستان و جامعه جهانی بیان می‌کرد که پاکستان هیچ کنترولی بر گروه طالبان افغانی ندارد؛ پس اگر امروز پاکستان از برجستگی نقش خود در صلح افغانستان تلاش دارد محور تمرکز و میزبان مذاکرات باشد، چرا این همه سال نقش خودش را در جنگ افغانستان انکار می‌کرده است؟ در حالی که تاثیرگذاری آن در جنگ بیشتر از صلح بود.

اکنون که برای صدها بار دست همسایه جنوبی باز شده، بهتر آن است تا روابط استراتژیک امریکا و افغانستان واقع بینانه و صادقانه باشد. هرچند در روابط بین‌المللی دولت‌ها، بازی‌های سیاسی بر مبنای منافع ملی قدرت‌های هژمون رقم می‌خورد، اما اشتراک منافع هر دو جانب؛ ایالات متحده و افغانستان ایجاب می‌کند تا حد اقل برای حفظ نظام دیموکراتیک کنونی باهم صادق و همکاران خوبی باشند. بنابراین در این شرایط حساس، مهم ترین پروسه‌ای که می‌تواند به عنوان میدان آزمون صداقت دو جانب باشد، روند صلح و همدستی در مقابله با پاکستان است.

تعمیل امریکا برای رسیدن به صلح نیز بیهوده نیست، اما انتخابات ریاست جمهوری سال آینده برای ملت افغانستان مهمتر از هر امر دیگری است که بتوان آن را در بدل انتخابات پذیرفت. از سویی هم مصالحه با گروه طالبان؛ گروه مسلحی که سال ها در برابر دولت و ملت افغانستان جنگ کرده است و به تمامی خواست‌های شوم همسایه‌ها تن داده است، با ارزش تر از یک پروسه ملی دیموکراتیک نیست؛ هرچند که این گروه مانع برگزاری انتخابات در شماری از ولسوالی‌های کشور خواهد شد.

تشخیص جایگاه طالبان یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های کنونی امریکا است. زیرا ایالات متحده امریکا، همانگونه که اعلام کرده: "به زودی قصد خروج را ندارد" ولی بر مبنای تعهدات و پیمان استراتژیک دو جانبه با افغانستان، فقط تا سال ۲۰۲۴ میلادی حق حضور خواهد داشت. دقیق، سالی که افغانستان باز هم انتخابات ریاست جمهوری خواهد داشت. اگر قبل از انتخابات ۲۰۱۹ میلادی که در ۳۱ حمل سال آینده برگزار خواهد شد، معاهده‌ای با گروه طالبان به امضا برسد، بدون شک طالبان می‌تواند در پروسه‌های سیاسی سهم بگیرد.

اما در صورتیکه پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال آینده هیچ توافقی با طالبان صورت نگیرد و طالبان در انتخابات این دوره هم خارج از چارچوب حکومت به عنوان یک گروه تروریستی مخالف حکومت باقی بماند، بدون شک که با نقشه راه صلح جدید رئیس جمهور غنی، روند تامین صلح حد اقل پنج سال دیگر طول خواهد کشید. در صورت طویل شدن مدت این پروسه، جنگ همچنان جریان خواهد داشت و در این میان مردم تاوان سنگینی را می‌پردازند که به هیچ وجه بهای آن جبران شدنی نیست. تلفات انسانی و خسارات مالی ناشی از این جنگ هرگز قابل جبران نیست و بدی کار هم این است که تا زمانی که گروه مخالف مسلح وجود دارد، تمامی خودسری‌ها، دزدی، قتل و غارت و کارهای مافیایی انجام می‌شود ولی آخر سر عاملان آنها به مخالفان مسلح پناه می‌برند و این گروه‌ها از یکسو چنین نوع افراد را برای تداوم نبرد و تشدید منازعه شان می‌پذیرند تا قوای بشری بیشتر داشته باشند و از سوی دیگر می‌خواهد قدرت نفوذ خویش را چند برابر به نمایش بگذارد.

اگر هیچ توافقی قبل از انتخابات سال آینده صورت نگیرد، تشکیل یک تکت انتخاباتی مشترک که از آن طریق طالبان نیز در قدرت سهم خواهد شد، برای دوره انتخابات ریاست جمهوری آینده در سال ۲۰۲۴ میلادی باقی خواهد ماند و بدون شک در آن وهله ولو صلح سیاسی با طالبان صورت گرفته باشد، نیاز به ناظران بین‌المللی محسوس است و گروه‌های آسیب پذیر خواهان تداوم حضور امریکا و جامعه جهانی خواهند بود.

بنابراین با درک این مسایل حساس انتخاباتی و پروسه ملی صلح افغانستان، همسایه جنوبی اکنون سخت در تلاش است تا باورهای گذشته شماری از کارشناسان را محقق کند؛ یعنی صلح را وابسته به خواست خویش بداند که توانایی تامین صلح و تداوم جنگ را دارد.

اما واقعیت این است که پس از تشکیل حکومت وحدت ملی، اکثریت مذاکرات بین‌المللی در مورد پایان جنگ در افغانستان به صورت پراکنده در کشورهای آسیای میانه، حوزه خلیج فارس، روسیه و شرق آسیا در میان شرکای جهانی افغانستان و دولت‌های اسلامی برگزار می‌شود. برگزاری این مذاکرات شرایط را به گونه‌ای رقم زده است که پاکستان به عنوان حامی تروریزم و پایگاه تصمیم‌گیری طالبان شناخته شده، اما از محور مذاکرات صلح به حاشیه رفته است. این یک شکست استراتژیک است که از اثر روابط مبهم اش با امریکا متقبل می‌شود. برای افغانستان، اما این امر، نیک و سودمند خواهد بود. بنابر این پاکستان باز هم تلاش دارد تا با تدویر میزگردی میان امریکا و طالبان، به افغانستان و جامعه جهانی نشان بدهد که هنوز مالک این گروه است و تاثیرگذاری لازم

را دارد که طالبان را در میدان جنگ غزنی و فراه بکشاند یا در میز مذاکره اسلام آباد و قطر. با آنکه دولت افغانستان با یک دید خوشبینانه نسبت به آینده مسالمت‌آمیز و روابط همسایه‌گی خوب، بارها از پاکستان خواست از ارتباط‌شان با طالبان استفاده کرده، این گروه را با حکومت افغانستان به میز مذاکره بکشاند تا صلح بین‌الافغانی صورت بگیرد، اما پاسخ مکرر این خواست تکراری، انکار بود و بس. اما مساله امروزی این است که پاکستان میخواهد با استفاده از روابط برای کسب نقش میزبانی یا پدرخواندگی طالبان، سرنوشت بازی و نقشه راه صلح افغانستان را سد بزند و خود را از حاشیه به محور مذاکرات صلح بکشاند که در صورت دست داشتن در این پروسه، بازهم روند صلح را سیوتاژ خواهد کرد. اما موفقیت پاکستان در این برنامه اش وابسته به توانایی و قدرت سیاسی حکومت وحدت ملی و صداقت ایالات متحده امریکا با افغانستان است که این اجازه را به پاکستان خواهد داد یا نه؟

پایان

